کتاب قصص الخاقانی

صدرهاشمی، محمد

یکی از کتب بسیار نفیس و ذیقیمت عهد صفویه کتاب قصص الخاقانی است.مؤلف‏ کتاب مذکور ولیقلی شاملو پسر دادود قلی هروی و در سال 1035 قمری در هرات تولد یافته‏ و در جوانی بسیستان رفته است.

کتاب مذکور که ظاهرا بیش از دو نسخه یکی بشماره Add.7656 در کتابخانه‏ موزه بریتانیا و نسخه دیگر بنشانه supplement persan در کتابخانه ملی پاریس، موجود نیست‏1در تاریخ صفویه و متضمن یک مقدمه و سه باب و یک خاتمه است

باب اول در تاریخ اجداد صفویه از فیروز شاه تا شاه اسماعیل اول.باب دوم در تاریخ‏ پادشاهان صفوی از شاه اسمعیل اول تا جلوس شاه عباس ثانی باب سوم تاریخ سلطنت شاه عباس ثانی‏ از سال 1052 که سال جلوس اوست تا 25 ربیع الاول 1077 که در آن تاریخ این پادشاه در خسروآباد دامغان فوت نمود.

خاتمه کتاب منقسم بدو تذکره است.تذکره اول در علما و اطبا و شیوخ عهد شاه‏ عباس ثانی و تذکره دوم در احوال شعرای همانعصر.

مولف در باب وجه تسمیه کتاب بنام«قصص الخاقانی»اینطور مینویسد که چون این‏ کتاب را در سال 1072 شروع کرده بود نام آنرا قصص الخاقانی گذاشت تا بحساب جمل با سال‏ شروع تالیف مطابق در آید.آغاز کتاب باین جمله شروع میشود:

ربنا افتح بیننا و بین قومنا بالحق...بهترین کلامی که ذو الفقار زبان قلم و شمشیر نفس آتشین...

مختصر شرح احوال مؤلف کتاب بدین قرار است که وی پس از رفتن بسیستان منظور نظر ملک نصرت خان والی آن ناحیه قرار گرفت و در خدمت او مستوفی شد.پس از چند سال از سیستان‏ بقندهار مسافرت کرد و در پیش ذو الفقار خان حکمران آن خطه سمت حاجبی یافت.در مدت‏ اقامت در قندهار کتابی بدست او رسید در ذکر جنگهائی که بین ایرانیان و لشگریان هندی بر سر قندهار اتفاق افتاده بود و چون محتویات آن کتاب را که مورخین هندی نوشته بودند خلاف‏ حقیقت یافته مصمم شد که کتابی در همین موضوع در رد ادعاهای مورخین هندی تالیف کند لیکن بعلت اشتغالات تا مدتی بانجام دادن نیت خود توفیق نیافت تا آنکه در سال 1073 چون‏ ذو الفقار خان حکمران قندهار فوت کرد و او بعلت دشمنی دو تن از درباریان منصور خان حکمران‏ جدید قندهار و برادر ذو الفقار خان متوفی از کار برکنار شد مجالی برای پرداختن بخیال دیرینه‏ بدست آورد و در موقعیکه سی و هشت سال بیشتر از عمر او نگذشته بود دست بکار تالیف این‏ (1)-یادداشت استاد علامه آقای اقبال بنگارنده کتاب زد.آنچه از کتاب قصص الخاقانی معلوم میشود این است که مولف تا حدود 1085 هنوز حیات داشته ولی تاریخ فوت او معلوم نیست.

اهمیت کتاب حاضر-کتاب قصص الخاقانی علاوه بر شرح حال عده زیادی از شعرا و اطبای زمان شاه عباس ثانی که کمتر در تذکره‏های دیگر یافت میشود،وقایع سلطنت این پادشاه‏ بتفصیل و با ذکر تمام جزئیات که اغلب آنها را خود مؤلف شاهد و ناظر بوده نقل کرده است. علاوه بر این صورت تعداد زیادی از احکام و فرامین و وقفنامه‏های سلاطین صفویه در این کتاب‏ نقل شده است و من جمله وقفنامه شاه عباس کبیر است که این پادشاه طبق این وقفنامه تمام املاک‏ و جواهرات حتی اسبهای اصطبل و آنچه در تصرف داشته وقف کرده است.حمام شاه اصفهان‏ و دکانهای قیصریه جزو این وقفنامه است.

بخاطر دارم که چند سال قبل باصرار جمعی از دوستان متن این وقفنامه را در روزنامه‏ محلی نقش جهان بچاپ رساندم و پس از مدتی هم اداره کل اوقاف نسخه آنرا خواست ولی اقدامام‏ شد یا نشد اطلاعی ندارم.فقط این پیش‏آمد سبب شد که بعضی از مقدسین دیگر بجمی‏ مذکور نرفتند.

باری مولف چون شاهد جزئیات سلطنت شاه عباس ثانی بوده بتفصیل وقایع دوران‏ این پادشاه را سال‏بسال نقل کرده است.من جمله راجع بچراغانی پل زاینده رود اصفهان‏ بمناسبت بنای آن از طرف شاه عباس ثانی اشعاری را از سایرای مشهدی نقل میکند که مطلع‏ آن این است:

زمین و آسمان در کامرانیست‏ که دولت دولت عباس ثانی است

بهرجهت با در نظر گرفتن باینکه جزئیات سلطنت شاه عباس ثانی کمتر مدون گردیده‏ جای آن دارد کتاب مذکور بحلیه طبع زینت گردد و نگارنده حاضرم طبق قراردادی کتاب را برای طبع در اختیار یکی از شرکتهای چاپ بگذارم تا وسیله نشر آن فراهم گردد و از این راه‏ خدمتی بتاریخ ایران شده باشد.دیگر بسته بهمت آقایان صاحبان مطابع و کتابفروشان است.

ابو الحسن علی بن جولوغ فرخی سیستانی متوفی بسال 429 هنگامیکه بخدمت‏ ابو المظفر احمد بن محمد چغانی میرفته در وصف شعر فرموده

با کاروان حله برفتم ز سیستان‏ با حله تنیده ز دل بافته ز جان‏ با حله‏ای بریشم ترکیب او سخن‏ با حله‏ای نگارگر نقش او زبان‏ هر تار او برنج بر آورده از ضمیر هر پود او بجهد جدا کرده از روان‏ از هر صنایعی که بخواهی بر او اثر وز هر بدایعی که بجوئی بر او نشان‏ ته حله‏ای کز آب مر او را رسد گزند نه حله‏ای کز آتش او را بود زیان‏ این حله نیست بافته از جنس حله‏ها اینرا تو از قیاس دگر حله‏ها مدان‏ اینرا زبان نهاد و و خرد رشت و عقل بافت‏ نقاش بود دست و ضمیر اندر آنمیان